

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

بررسی جلوه‌های ناتورالیسم در ادبیات داستانی جنگ^۱ (مورد پژوهی: احمد دهقان)

دکتر مهدی خادمی کولایی^۱

نسیم حسن پور ایلالی^۲

چکیده

امیل زولا مکتب ناتورالیسم را در نیمه دوم قرن ۱۹ بنیاد گذاشته است. این مکتب تمایلات، اندیشه‌ها و رفتارهای انسان‌ها را برخاسته از غرایز درونی و امیال طبیعی می‌داند. جبرگرایی، بی‌پردگی‌های اخلاقی، اندیشه‌های ماتریالیستی، بدبینی، سیاه‌اندیشی و عینیت‌گرایی از جمله مؤلفه‌های ناتورالیسم است. وجود برخی از مؤلفه‌های برجسته و بارز ناتورالیسم در شماری از آثار ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، گونه‌ای از ناتورالیسم را در این نوع ادبی رقم زده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، ویژگی‌های این نوع از ناتورالیسم را در آثار احمد دهقان بازکاوی کرده است. برآیند تحقیق با توجه به دلالت‌های متنی نشان می‌دهد که در آثار دهقان عینیت‌گرایی، بیان واقعیات خشونت‌بار جنگ، توصیفات عریان از تلفات انسانی، ترسیم ویرانی‌ها، باز نمود فجایع و زشتی‌های جنگ و کار بست برخی صفات و تعابیر غیر رایج درباره رزمندگان که در حوزه ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس کم سابقه است، مشاهده می‌گردد؛ از این رو، فرض نگارندگان بر این است که برخی از آثار داستانی دهقان، محملی برای بازنمایی ویژگی‌های ناتورالیسم جنگ در حوزه ادبیات داستانی جنگ تحمیلی و دفاع مقدس باشد.

واژگان کلیدی: ناتورالیسم، ادبیات داستانی، جنگ تحمیلی، احمد دهقان

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول): dr.khademikulaei@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور ساری

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴-۰۷-۱۳۹۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۱-۰۶-۱۳۹۵

۱- مقدمه

تحوّلات جوامع موجب ظهور جریان‌ها و مکاتب مختلف می‌شود و ادبیات، رسالت بیان اتّفاقات، اندیشه‌ها و اعتقادات در هر برهه از تاریخ را برعهده دارد. مکتب ناتورالیسم «به دنبال علم‌گرایی، تفکرات فلسفی کانت و نظریات داروین، توسعه صنعت و اختراعات، تولیدات انبوه اقتصادی، تأثیر آن بر زندگی مردم و اختلاف طبقاتی و سبک زندگی میان مردم فقیر و قدرتمند و...» (ثروت، ۱۳۸۶: ۱۷۹-۱۸۱) به وجود آمد و نویسندگان این مکتب به بازتاب مشکلات و دشواری‌های حیات در آثار خویش پرداختند. «ناتورالیسم مکتب ادبی است که در اواخر قرن نوزدهم در اروپا پدید آمد. بنیادگذار این مکتب ادبی، امیل زولا نویسنده فرانسوی بوده است. بر اساس این مکتب ادبی که حاصل ناتورالیسم فلسفی است، تمام پدیده‌های هستی در طبیعت و در محدوده دانش علمی و تجربی جای دارد و هیچ چیز در ماورای ماده وجود ندارد» (داد، ۱۳۷۵: «ناتورالیسم»).

«بر اساس فلسفه ناتورالیسم، هر چیزی که وجود دارد، بخشی از طبیعت است و به واسطه علّت‌های مادی و طبیعی، قابل توصیف و تشریح است. بر اساس همین فلسفه، نویسندگان مکتب ناتورالیسم حوادث و رویدادهای زندگی را تشریح می‌کنند و به علّت ماورای پدیده‌های علمی برای توجیه حوادث و رویدادهای زندگی اعتقادی ندارند» (شریفیان و رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۵۰). بدین ترتیب «در این مکتب، انسان متافیزیکی جای خود را به انسان فیزیولوژیکی می‌دهد» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۴).

این اصطلاح در فلسفه قدیم به معنایی به کار می‌رفت که ماده‌گرایی، لذّت‌جویی و هرگونه دین‌گریزی را در بر می‌گرفت و نظام فکری کسانی بود که همه علّت‌های غایی را در طبیعت می‌جستند. امیل زولا نویسنده فرانسوی با نگارش *رمان تجربی* در سال ۱۸۸۰ م. اصول و نظریات خود را در مورد ناتورالیسم بیان کرد. او در این مقاله اظهار داشت که رمان‌نویس باید کاملاً بی‌طرفانه و بدون دخالت احساسات خود پدیده‌های معینی را مشاهده کند و از آن‌ها نتایج قطعی به دست آورد و باید در این زمینه به قوانینی چون وراثت توجه داشته‌باشد؛ بدین ترتیب

بر اساس نظریه‌های امیل زولا سرنوشت انسان تحت تأثیر دو عامل محیط و وراثت قرار می‌گیرد (ن. ک: رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۳). به اعتقاد ناتورالیست‌ها فرد، تحت سیطره نیروهایی به مراتب قوی‌تر از نیروی اراده خود قرار دارد و انسان‌ها بیشتر کنش‌پذیرند تا کنش‌گر. آدمی مسبب یا بانی رخدادها نیست و رویدادها بر او حادث می‌شوند. «از دیدگاه ناتورالیست‌ها اراده فردی اشخاص بیشتر مقهور جبر اقتصادی- اجتماعی و وراثت است؛ همچنین اشخاص نمی‌توانند نقصان‌های منشی^۲ خود را به میل خودشان یا با تلاش فردی برطرف کنند. آنان قربانی وضعیتی هستند که خود هیچ نقشی در به وجود آوردنش نداشته‌اند» (پاینده، ۱۳۹۱: ۲۹۸).

«ناتورالیست‌ها معتقد بودند، همان‌طور که دانشمندان علوم طبیعی با رویکردی کاملاً عینیت‌مبنا، طبیعت را مطالعه می‌کنند، نویسندگان و شاعران نیز باید با نگرشی معطوف به واقعیت‌های عینی، موضوعات آثارشان را پیروانند. ناتورالیست‌ها عموماً زندگی پایین‌ترین مرتبه‌ترین آحاد جامعه را دست‌مایه خلق آثارشان می‌کنند و به شرح و تفصیل جزئیات وقایع و مکان‌ها و شخصیت‌ها می‌پردازند. این نوع داستان‌ها پژوهشی است درباره معضلات اجتماعی، و تصاویری ناپیراسته از جنبه‌های مضمّنکننده رفتار آدم‌ها نشان می‌دهد» (همان: ۳۰۲). «ناتورالیسم گرایش عجیبی به تفسیر بیولوژیک زندگی و توصیف یک‌جانبه زشتی‌ها و پلیدی‌ها، آن‌هم با تکیه بر تفسیر آن در یک چارچوب بیولوژیک دارد» (زرشناس، ۱۳۸۳: ۴۲). در این‌گونه داستان‌ها اثری از جلوه‌های ماوراء طبیعی یافت نمی‌شود و همچنین نویسنده در آن‌ها موعظه نمی‌کند. شخصیت‌های داستان‌های ناتورالیستی عمدتاً افرادی بی‌سواد و یا کم‌سواد و از اقشار تحتانی طبقه متوسط و یا از پایین‌ترین طبقه جامعه و یا جزو حاشیه‌نشینان محروم و فقرزده‌اند. «به اعتقاد ناتورالیست‌ها رمان باید پستی-ها و دورویی‌های مزورانه زندگی اجتماعی را که بر اساس معایب و خودخواهی بنا شده‌است، نشان دهد.» (مظفری و پیری، ۱۳۹۱: ۵)

۱-۱- بیان مسئله

«به طور کلی ناتورالیسم دو موضوع مورد بحث دارد: ۱- ناتورالیسم حقیقی که همان عقاید امیل زولاست که تنها ده سال رواج داشت. او معتقد بود برای کردار و رفتار شخصیت‌های داستان، وجود یک توجیه علمی لازم است؛ دوّم، ناتورالیسم غیر حقیقی و تحریف شده که به وسیله پیروان امیل زولا رواج پیدا کرد و بیشتر تکیه بر زشتی‌ها داشت؛ اما ربط بین این دو جنبه از ناتورالیسم این است که در آثار امیل زولا هم تکیه بر قهرمانانی است که دچار پلیدی و بلایا هستند و لذا زشتی‌ها در آنها برجسته شده‌است» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۹).

ناتورالیسم اروپایی و آمریکایی از راه ترجمه‌هایی که از صدر مشروطه به این سوی در حوزه داستان‌نویسی ایران صورت گرفت به داستان‌نویسی فارسی وارد شد و «در آثار انتقادی و سیاسی دهه ۱۳۲۰ در ادبیات داستانی ایران نمونه‌هایی از آثار ناتورالیستی را می‌توان مشاهده کرد؛ مانند چاپ اولین مجموعه داستانی صادق چوبک با عنوان *خیمه‌شب‌بازی* در سال ۱۳۲۴» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۴). به تاسی از این مکتب، آثاری به قلم کسانی چون صادق هدایت، صادق چوبک، محمود مسعود دهاتی، احمد محمود و محمود دولت‌آبادی نیز نوشته شد. از سردمداران مکتب ناتورالیسم در ایران، صادق چوبک است. «چوبک با شکستن حرمت کاذب کلمات و مفاهیم، رکیک‌ترین دشنام‌ها و بی‌پرده‌ترین گفتگوها را بر اساس دیدگاه ناتورالیستی خود در آثارش وارد می‌کند. صحنه‌ها و مناظری را که دیگر نویسندگان به اختصار از کنار آن می‌گذشتند و یا به کلی از طرح آن سر باز می‌زدند، چوبک با جسارت حیرت‌انگیزی در آثار خویش به نمایش می‌گذارد» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

با بروز انقلاب اسلامی و به دنبال آن جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران، نویسندگان در سال‌های آغازین، غالباً با هدفی تبلیغی و ترویجی به خلق داستان پرداختند. آنان گویا ساحت داستان را میدانی جهت طرح و اشاعه عقاید و آرمان‌هایشان می‌دانستند. علی‌رغم این که ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس در دو دهه آغازین ساحتی تنزه‌طلب دارد و عموماً در این نوع

داستان‌ها مضامین ارزشی با نگاهی اعتقادی مطرح می‌گردد و معمولاً از دشواری‌ها کم‌تر سخن به میان می‌آید؛ اما به مرور نویسندگان داستان‌های این حوزه، صرفاً به وجود نگاهی باورمند اکتفا نمی‌کنند و از دهه هفتاد به بعد به طرح دشواری‌ها، زشتی‌ها و فجایع جنگ در آثار خویش می‌پردازند. اگرچه رگه‌هایی از ناتورالیسم در آثار جنگی دهه ۶۰، از جمله آثار اسماعیل فصیح (ثریا در اغما، ۱۳۶۲، زمستان ۶۲، ۱۳۶۶)، مهدی سبحانی (ناگهان سیلاب، ۱۳۶۸)، تقی مدرسی (آداب زیارت، ۱۳۶۸)، منصور کوشان (محاق، ۱۳۶۹)، و جواد مجابی (شب ملخ، ۱۳۶۹) قابل مشاهده است؛ اما نویسندگان در نیمه دوم دهه ۷۰ و دهه ۸۰ بیش‌تر به طرح این‌گونه مسائل می‌پردازند و نگاه قدسی و ارزشی صرف به جنگ و دفاع در برخی آثار جای خود را به نگاهی واقع‌گرا می‌دهد. داستان‌نویسان به مجموعه‌ای از حقایق وقوع یافته در جبهه‌ها می‌پردازند و دلاوری‌ها و ایثار را در کنار دشواری‌ها، فجایع و زشتی‌های جنگ به نمایش می‌گذارند. در این میان برخی از داستان‌نویسان به بیان مصائب جنگ اکتفا نکردند و در کنار آن به شکستن برخی تابو^۲ واره‌ها نیز روی آوردند و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود کشور در زمان جنگ و بعد از آن را مورد انتقاد قرار دادند. عریان‌گویی از خشونت جنگ، انتقاد و اعتراض از وضع موجود، نفی اراده شخصیت‌ها و تأثیر جبر محیط بر انسان از مضامینی است که در آثار این نویسندگان دیده می‌شود؛ اما بعدها در آثار احمد دهقان^۴ و فراتر از او حسین مرتضائیان آبکنار (عقرب روی پله‌های راه آهن اندیمشک، ۱۳۸۵) می‌توان مؤلفه‌های ناتورالیسم را جدی‌تر و بی‌پرده‌تر مشاهده نمود. اگرچه رسالت این مقاله، تنها تحلیل آثار احمد دهقان از این منظر است، ولی باید به این نکته توجه داشت که ظهور برخی از نشانه‌های مکتب ناتورالیسم که مکتبی رویگردان از هر گونه عقاید و باورهای دینی و مذهبی است، در حوزه ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس که پشتوانه‌ای اعتقادی دارد، رویه‌ای تقریباً نوپدید و نامنتظر بود و این امر، از تطوّر جدی نگرش و مضمون‌سازی در این حوزه حکایت دارد؛ البته عده‌ای منکر وجود آثار ناتورالیستی در ادبیات داستانی دفاع مقدس

هستند و آثاری از این دست را در ردیف آثار رئالیستی افراط‌گرایانه قرار می‌دهند؛ اما به نظر نگارندگان این مقاله فراوانی وجود برخی از مؤلفه‌های ناتورالیستی مانند شکستن حرمت قراردادی واژگان، زیر سؤال بردن مبانی اخلاقی و عرفی و عریان‌گویی‌های افراطی مشاهده شده در آثار مورد پژوهش باعث قرار گرفتن این دست از آثار در شمار داستان‌های ناتورالیستی جنگ می‌شود. البته باید یادآور شد که در آثار مورد بررسی، برخی از مؤلفه‌ها مانند دین‌گریزی را به صورت آشکار و هدفمند نمی‌یابیم؛ ولی نفی اراده فردی، تأثیر جبر محیط بر انسان، عینی‌گویی از شدت خشونت و دشواری جنگ، شرح فجایع و زشتی‌ها و... به وفور یافت می‌شود. درست است که عموماً در آثار مرتبط با جنگ مثل زمین سوخته احمد محمود (۱۳۶۱) دشواری‌های جنگ و جبهه در روزهای آغازین جنگ، مستندوار، گزارش گونه و حتی عینی با چاشنی خشونت‌های نسبتاً تلخ بیان می‌شود، اما دیگر شاخصه‌های حذاقلی ناتورالیستی در آن قابل مشاهده نیست؛ ولی هنگامی که در اثری شدت خشونت و مصائب به همراه دیگر خصایص مکتب مورد اشاره به گونه‌ای افراطی مطرح می‌گردد، می‌توانیم شاهد بروز و تجلی ناتورالیسم در آن اثر باشیم. در کنار هم قرار گرفتن و عجین شدن ادبیات جنگ و دفاع مقدس که رویکردی ارزشی و باورمندانه دارد، با مکتب ناتورالیسم که بر اصولی چون دین‌گریزی، نفی مسائل ماورائی، بی‌پردگی‌های اخلاقی و عرفی و ترسیم زشتی‌ها و... پایه‌ریزی شده است، این سؤال را برمی‌انگیزد که این دو مقوله چگونه با هم سازگاری یافته‌اند و این پژوهش در صدد یافتن پاسخ این پرسش و طرح آن برای مخاطبان است. اگرچه نبودگی موضوع و فقدان کارهای تحقیقی در این خصوص نگارندگان این سطور را ملزم می‌کند که جوانب احتیاط را رعایت کنند و یافته‌های خود را یقینی نپندارند و با طرح این مسئله و بیان دیدگاه‌های خود منتظر بازتاب آن در میان پژوهشگران و مشتاق استقبال از نظرات اصلاح‌گراانه آنان باشند تا با تعامل ارباب اندیشه و اصحاب قلم امیدوار به برداشتن گامی هرچند کوتاه در زمینه تئوریزه

کردن برخی نگرش‌های احتمالی موجود در خصوص ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس باشند.

در این جستار در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات هستیم:

۱- داستان‌های جنگ و دفاع مقدس چگونه می‌تواند در جرگهٔ رمان‌های ناتورالیستی قرار گیرد؟

۲- کدام مؤلفه‌ها و متغیرهای مکتب ناتورالیسم در آثار داستانی مورد بحث بروز و ظهور بیشتری یافته‌است؟

عموماً در تقسیم‌بندی‌های رسمی آثار داستانی حوزهٔ جنگ و دفاع مقدس، داستان‌های ناتورالیستی را در ردیف داستان‌های ضدجنگ و انتقادمحور قرار می‌دهند؛ حال آن‌که می‌توان با مدافعهٔ بیشتر و حداقل به عنوان یک دیدگاه پیشنهادی آن‌ها را در قالب داستان‌های ناتورالیستی دفاع مقدس یا جنگ تحمیلی مورد مطالعه قرار داد که نوع خاصی از ناتورالیسم است که با توجه به شرایط ویژهٔ برهه‌ای از تاریخ ادبی و فرهنگی کشور ما پدیدار گشته‌است.

۱-۲- پیشینهٔ تحقیق

آثاری چون «سیر ناتورالیسم در ایران» (۱۳۸۸) از عبدالله حسن‌زاده، «داستان کوتاه در ایران» (داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی) (۱۳۸۹) از حسین پاینده و مجموعه مقالاتی با عنوان «یاد صادق چوبک» (۱۳۸۰) که علی دهباشی آن را گردآوری نمود، با موضوع ناتورالیسم به نگارش درآمده‌است.

۱-۳- ضرورت پژوهش

از آن‌جا که تاکنون ناتورالیسم در عرصهٔ ادبیات جنگ تحمیلی، خصوصاً آثار داستانی احمد دهقان مورد واکاوی قرار نگرفته‌است، در این پژوهش بر آنیم تا به بررسی و تحلیل این موضوع بپردازیم.

۲. بحث

۲-۱- معرفی آثار مورد بررسی:

۲-۱-۱- رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه (چاپ اول ۱۳۷۵)

ناصر به همراه علی عازم جبهه می‌شود. دسته آن‌ها برای عملیات می‌رود و تعداد زیادی از رزمندگان و دوستان ناصر در این عملیات شهید می‌شوند و خود او نیز مجروح می‌گردد. نویسنده در این رمان به تبیین چگونگی به جبهه رفتن ناصر می‌پردازد. شرکت در عملیات، ترسیم شدت خشونت جنگ، شهادت رزمندگان، محاصره نیروها و... از مضامینی است که در این رمان طرح می‌گردد.

۲-۱-۲- مجموعه داستان من قاتل پسران هشتم (چاپ اول ۱۳۸۶)

با توجه به اینکه فاصله زمانی انتشار این اثر از جنگ، بیش‌تر از رمان «سفر...» است، این بُعد زمانی در بیان برخی واقعیات و یا شکستن برخی تابوها اثر داشته‌است؛ از این رو به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های ناتورالیستی در آن از نمودگاری و برجستگی بیش‌تری برخوردار باشد. لازم به ذکر است که به دلیل تعدد داستان موجود در این مجموعه، ناگزیر از ذکر خلاصه آنها خودداری گردید.

۲-۱-۳- رمان پرسه در خاک عربیه (چاپ اول ۱۳۸۸)

سربازانی با قطار باری با گله‌ای قاطر به کوهستان‌های غرب می‌روند و با موشک‌باران دشمن و کشتار نیروها روبه‌رو می‌شوند. آنان بنا به هماهنگی قبلی فرماندهان، شب در خانه زنی گرد اقامت می‌کنند و صبح به سوی هدف از پیش تعیین‌شده حرکت می‌کنند؛ اما هنوز مسافتی را طی نکرده، با بمباران شدید دشمن روبه‌رو می‌شوند. گروه، بعد از درگیری‌های مداوم، با استقرار در یک روستا، با پیرمرد فرزانه‌ای که با سخنان حکیمانه و مثال زدن از کتب مقدس، مردم را به رحم و انصاف فرا می‌خواند، آشنا می‌شوند. حمله عراقی‌ها و استفاده از گاز شیمیایی، بحث فرار عده‌ای از سربازان، به آتش کشیده شدن آمبولانس حمل مجروحان و

شهادت ابراهیم و جمال در آغوش پدر، مرگ دسته‌جمعی قاطرها همراه با الله‌مراد و... از مطالبی است که در این رمان مطرح می‌گردد. عبدالله که قبلاً اهل کاباره و دارای گذشته تیره‌ای بوده- است، در روند داستان تحت تأثیر زکریا (طلبه‌ای جوان) قرار می‌گیرد و تا حدودی متحول می‌گردد. «در انتهای رمان، بهرام با دیدن جنازه یخ‌زده کره الاغ ایستاده در کنار جنازه پدر و مادرش از ته دل فریاد می‌زند تا بتواند خودش را از این همه بغض و خاطره‌های دردناک خلاص کند» (علی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۸).

۲-۲- بررسی عناصر و مؤلفه‌های ناتورالیستی در آثار داستانی احمد دهقان

ناتورالیست‌ها به اصولی چون توصیف عینی، برون‌نگری، بی‌اعتقادی به آزادی و اراده فرد و... توجه می‌کنند (پرهیز جوان، ۱۳۸۸: ۶۹). امیل زولا می‌گوید: «رمان عبارت از گزارش‌نامه تجارب و آزمایش‌هاست.» (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۲۴۱) دهقان از جمله افرادی است که جنگ را به صورت ملموس و واقعی درک نموده و صحنه‌های آن را با تیزنگری و ریزنگاری خاصی در آثار خود بازتاب داده‌است. توصیفات دقیق و جزءپردازانه او در جای‌جای آثارش می‌تواند گواه این مدعا باشد. همان‌طور که زولا بر این باور بود که نویسنده باید تخیل را کنار بگذارد و از واقعیت‌ها سخن بگوید، نوشته‌های دهقان نیز عمدتاً برخاسته از متن واقعه با کم‌ترین رویکرد به سمت و سوی تخیل است. البته حضور طولانی و درازآهنگ او در میدان‌های جنگ و تجربه‌گرانقدر وی از تماس مستقیم با خطوط نبرد در این توانمندی او بی‌تأثیر نبوده‌است. در ادامه به بررسی و تحلیل وجوه و شاخصه‌های ناتورالیسم و مصادیق آنها در سه اثر سفر به گرای ۲۷۰ درجه، من قاتل پسران هستم و پرسه در خاک غریبه می‌پردازیم.

۲-۲-۱- توجه به علم فیزیولوژی: ناتورالیست‌ها معتقد بودند که برای پی‌بردن به مشخصات روحی و اخلاقی یک شخصیت، لازم نیست مستقیماً به بیان ویژگی‌های اخلاقی فرد پرداخت؛ بلکه با ارائه مشخصاتی از وضعیت مزاجی شخصیت‌های داستان می‌توان نتیجه‌گیری درباره تشخیص حالات روحی و یا خصوصیات اخلاقی قهرمانان را به عهده خواننده گذاشت.

برای مثال برای بیان ترس به جای بیان علنی آن به وصف حالات روحی و جسمی فرد می‌پردازند.

- «رسول دست بر زمین می‌گذارد تا بلند شود، دستش مثل تمام عضلاتش منقبض شده، می‌لرزد؛ عینهو مثل کسی که تب و لرز داشته... فکّ رسول قفل شده...» (دهقان، ۱۳۸۶ الف: ۷۳).

- «غرّش پی‌درپی موشک‌ها پرده‌گوش‌مان را می‌لرزاند... هیچ‌کس حرفی نمی‌زند، عرق کرده- ایم و کز کرده‌ایم نشسته‌ایم. نمی‌دانم چرا به این زودی عرق کرده‌ایم... همه مثل اعدامی‌ها آسمان را می‌کاوند و حیران و سرگردانند...» (همان: ۱۱۹-۱۲۰).

می‌دانیم که در ادبیات داستانی جنگ، پرداختن به اصل ترس در میان رزمندگان تا اواسط دهه ۷۰ از جمله مواردی بود که کمتر به آن پرداخته می‌شد؛ اما دهقان در آثارش به فراوانی به طرح این مسئله می‌پردازد.

- «پس رک شروع کرد به لرزیدن و یک‌دفعه انگار که زور یک گاو نر را پیدا کرده‌باشد، خودش را از زیر دست جمال کشید بیرون و شروع کرد به دویدن و رفت سمت قاطر مرده‌ای که یک‌وری افتاده‌بود روی زمین... ایستاد و بنا کرد به نعره زدن...» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

۲-۲-۲- مسئله وراثت و محیط: ناتورالیست‌ها بر امر وراثت تأکید زیادی داشتند و معتقد بودند که سرنوشت انسان را وراثت و محیط رقم می‌زند و «اسارت انسان در دستان قدرت‌مند تقدیر و به فرجام دلخواه نرسیدن کوشش‌ها، یکی از معتقدات اساسی در ناتورالیسم است» (شیری، ۱۳۸۷: ۱۹۳). از دید دهقان جبری که بر فضای جبهه و جنگ حاکم بود، موجب مرگ شمار زیادی از سربازان و رزمندگان شد. وی حاکمیت چنین وضعیتی بر محیط جبهه را این‌گونه بیان می‌کند:

«برف بند نیامد، اما معلوم بود که تصمیم آخر برای حمله گرفته شد و هیچ کس و هیچ چیز جلودارش نیست: تیری بود که از چله رها شده و دست فلک هم بهش نمی‌رسید. این را حتی نیروهای جنگ‌نندیده و تازه‌وارد هم فهمیده بودند... جنگ بود دیگر!» (دهقان، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۴).

۲-۲-۳- نفی ارادهٔ افراد در رفع نقصان‌های منشی

مکتب ادبی ناتورالیسم نسبت به اینکه فرد بتواند از عهدهٔ تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت و هستی خود برآید، تردید داشت. در این‌گونه آثار، فرد آزادی انتخاب و مسؤولیت در قبال اعمال خویش ندارد. اشخاص این‌گونه داستان‌ها ناخواسته در وضعی گرفتار می‌آیند که نه بر آن اختیاری دارند و نه قادرند در آن تغییری بدهند. آنان قربانی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و یا ویژگی‌های موروثی، طبقاتی و خانوادگی خویش هستند (رادفر و حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۸۳: ۳۴). عدم اراده و اختیار در تغییر رفتار و منش افراد از وجوه برجستهٔ ناتورالیسم است. نمونهٔ این مورد را در رمان پرسه در خاک غریبه در شخصیت عبدالله شاهد هستیم. او که گذشته‌ای ناخوشایند و منحرفانه دارد، اکنون که در جمع رزمندگان و در بحبوحهٔ کشتار انسانی قرار گرفته است، حضور در چنین شرایطی نیز او را از تفکر به مسائل عاشقانهٔ گذشته و کاباره و... باز نمی‌دارد و در هر مجالی که می‌یابد به گذشته می‌اندیشد. این مسئله در چندین بخش از داستان اتفاق می‌افتد و در هیچ‌یک از موارد، ندامتی از عملکرد خود ندارد. در رمان «پرسه...» در کنار بازتاب این خصیصهٔ ناتورالیسم به دلیل صبغهٔ باورانهٔ در رمان‌های دفاع مقدس، نویسنده تحوّل مثبت عبدالله را در انتهای داستان مطرح می‌کند. هنگامی که شخصیت‌های معتقدی مانند زکریا از منطقهٔ شیمیایی شده باز می‌گردند، عبدالله به رفتن به آن منطقه و پرسیدن سؤالات خویش از پیرمرد عارف مسلک که در منطقه است، اقدام می‌کند. باید یادآور شد که دهقان بازگشت عبدالله به سوی یافتن پاسخ سؤالاتش را کاملاً سربسته مطرح می‌کند و گویا تحوّل شخصیت عبدالله را به خواننده و خوانش او واگذار می‌کند.

«روی خاک پف کرده و شوره زده - روی آرنج تکیه داد و... چشم دوخت به دریای آب که انتهایش در مه و بخار گم شده بود... غرق در آرامش آن جا بود که یکهو شیرین - با همه خاطراتش - آمد...» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۳)

«آرام رفت به گذشته به گذشته‌های دور؛ به روزهای خیابان لاله‌زار. بار دوم فقط برای دیدن شیرین رفت کاباره داریوش...» (همان: ۳۴)

«وقتی فکرش را می‌کرد، می‌دید آن قدر در حال و هوای جنگ گرفتار شده که نمی‌تواند شیرین را آن طور که بود، توی ذهن مجسم کند...» (همان: ۲۱۲)

در مورد اخیر نشانی از ندامت از منش گذشته در شخصیت عبدالله مشاهده نمی‌شود؛ از این رو به نظر می‌رسد نفی اراده در رفع نقصان‌های منشی را در شخصیت عبدالله شاهد باشیم. مخصوصاً که این جمله در صفحه ۲۱۲ از رمان ۲۳۶ صفحه‌ای طرح گشته است.

۲-۲-۴- مخالفت با قراردادهای اخلاقی و عرفی: «به اعتقاد ناتورالیست‌ها انسان جزئی از نظام مادی طبیعت است که هیچ ارتباطی با عالم غیر مادی که در مذهب یا اعتقادات اساطیری مطرح می‌شود، ندارد» (بالایی، ۱۳۸۳: ۲۳). طرح برخی از مضامین مانند قتل عمد سربازان و ترس و ریاکاری فرماندهان جنگ که در آثار دهقان به مراتب زودتر و در عین حال پررنگ‌تر از آثار دیگر نویسندگان مطرح شده به نوعی تابوشکنی و عبور از پرهیزها در حوزه ادبیات دفاع مقدس به شمار می‌رود.

شاهد بیان‌کننده مدعا نیست «فرمانده... تا صدای خرخر گلوی محسن را شنید، تند آمد. سرش را آورد نزدیک گوشم و با صدایی که در نهایت آهستگی شدت یک فریاد را داشت گفت: مگر نمی‌بینی کجا هستیم؟ اگر لو برویم همه‌مان را قتل عام می‌کنند. [محسن را زیر آب بردند]... فرمانده‌مان گفت سرش را بگیرم و خودش چسبید به هر دو پای محسن. با هم رفتیم زیر آب. محسن اول آرام بود؛ اما بعد شروع کرد به تقلا و دست و پا زدن. با لگد فرمانده‌مان را پرت کرد عقب و صورت او گرفت به سیم خاردار... وقتی محسن از تقلا افتاد، آمدیم روی آب...» (دهقان، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵)

اصولاً فرماندهان جنگی در آثار مرتبط با جنگ و دفاع مقدس به عنوان افرادی جسور، شجاع و فداکار شناخته می‌شوند؛ اما دهقان در رمان «پرسه...» فرماندهان را به عنوان افرادی ترسو و اهل ریا معرفی می‌کند:

«صد متر عقب تر تازه افراد توانستند فرمانده را ببینند. توی یک سوراخ گنده که معلوم نبود لانه روباه یا گرگ است - زیر یک درخت بلوط پیر- پناه گرفته بود [...] عبدالله به عقب سر نگاه کرد. فرمانده فقط سرش را از توی سوراخی پناهگاهش آورده بود بیرون که آن هم وقتی صدای رگبار شدت گرفت رفت پایین.» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۸۲-۱۸۵)

۲-۲-۵- استفاده از زبان محاوره: «در آثار ناتورالیستی، اغلب مکالمه اشخاص به منظور نزدیکی هرچه بیشتر با واقعیت به زبان محاوره آورده می‌شود.» (حیدری و غفاری، ۱۳۹۴: ۱۰۷) دهقان نیز در آثار جنگی خود به این مسئله توجه دارد:

«پرسید برار اسم شما دو تا شهری چیه؟» (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۸)

۲-۲-۶- ترسیم فقر: پیروان مکتب ناتورالیسم سعی بر ترسیم هرچه بیشتر زشتی‌ها، پلشتی‌ها، فجایع و گرفتاری‌های انسان دارند. دهقان در رمان سفر... به بیان فقر می‌پردازد. اما در مجموعه داستان *من قاتل...* و *پرسه...* غالباً با نگاهی بدبینانه به سیاه‌روزی مردم و تبعات جبران‌ناپذیر و پلید جنگ می‌نگرد.

«پهن می‌شوم روی فرش. سقف از نم باران رگه‌رگه شده و پنداری ابرهای سیاه و سفید رو کول هم سوار شده‌اند. گوشه سقف به اندازه گردی کف دست ریخته...» (دهقان، ۱۳۸۶: الف: ۶)

«پدر شلوارش را در می‌آورد. زیرشلواری رنگ و رو رفته‌ای تو پایش است... مجری تلویزیون می‌گوید: «ستاد بسیج اقتصادی اعلام کرد: کوپن... پدر و مادر تمام حواس‌شان می‌رود پی تلویزیون.» (همان: ۱۵)

«رفتم پیش کیان. گفتم چی شده؟ خجالت می کشیدم بگم پول می خوام. اما گفتم. نمی تونستم نگم. نه یک ذره روغن، گوشت، برنج... حرفم را با خنده گرفت. گفتم صد هزار تومن قرض بده. در اومد که وضع بازار خوب نیست، کساده و... آخر سر دوهزار تومان گذاشت گوشه مشتم. گفت نمی‌خواد برگردونی، مال خودت. منم پشش دادم و اومدم بیرون...» (دهقان، ۱۳۸۶: ۵۵)

۲-۲-۷- توصیف زشتی، ناپیراستگی و بدینی

«یکی... می‌افتد روی زمین و مثل بید می‌لرزد و دهنش کف می‌کند. مرد هم‌چنان که پشت میز نشسته، گوشی قرمز رنگ تلفن را برمی‌دارد و شماره‌ای می‌گیرد و می‌گوید بیاید یکی را ببرید. ماها دور مریض جمع می‌شویم و... یکهو مریض استفراغ می‌کند و مایع سفید و صورتی رنگی پخش می‌شود وسط اتاق و بوی ترشی تو هوا می‌پیچد.» (دهقان، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۷)

«زنم مریم را صدا زدم که آمد طرفم و او را چند پاره دیدم و رفتم طرفش که چیزی نفهمیدم تا وقتی که به هوش آمدم و دیدم بیچاره مرا بلند کرده و تکیه‌ام داده به رختخواب‌های گوشه اتاق. خودش هم داشت وسط اتاق رو فرش دستمال می‌کشید. همه خانه را پر استفراغ کرده بودم. تکان که خوردم برگشت طرفم و دیدم که گوشه لبش خونی است و جای پنج انگشت رو صورتش است...» (همان: ۲۶)

«یک‌سره بوی خون می‌آمد و باروت سوخته و بوی گند جنگ.» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۱۳)

«جنگ نکبتی است مثل وبا که وقتی همه‌گیر شد، زن و مرد و پیر و جوان نمی‌شناسه...» (همان: ۸۴)

۲-۲-۸- بیان جزءنگارانه واقعات تلخ و خشونت‌های تکان‌دهنده: از اصول دیگر

مکتب ناتورالیسم، توجه و سواس آمیز آن به تصویرسازی جزئیات امور و توصیف دقیق آن-هاست (صادقی شهپر و پورمرادی، ۱۳۹۲: ۱۸۸). اطناب یکی از ویژگی‌های آثار ناتورالیستی است که در آنها در باره شخصیت‌ها و خصوصاً فضاهای داستان به تفصیل توضیح داده می‌شود. در اکثر داستان‌های جنگی از شهادت رزمندگان به صورت کلی یاد می‌شود؛ اما در آثار احمد دهقان نحوه شهادت با جزئیات بیشتری توصیف می‌گردد.

«تگّه بزرگی از بدن که به آدم می‌ماند، تو هوا فرمی خورد و تو آسمان نقطه می‌شود و برمی - گردد می‌افتد وسط دشت... اطرافم شتک خون و تگه‌های سرخ گوشت و تگه‌های سفیدی که باید استخوان باشد... عق خشک می‌زنم...» (دهقان، ۱۳۸۶ الف: ۲۰۹)

«نعره‌ای که گمان نمی‌کنم از انسانی باشد از انتهای حلق علی بیرون می‌آید و شنی تانک او را فیتله می‌کند و می‌کشد زیر خودش... دیوانه‌وار می‌دوم طرف علی... می‌نشینم. تانک از رو کمر او رد شده. هنوز شاهرگش دل‌دل می‌کند و چشم چپش می‌پرد. او نصف شده. نصف نصف... از کمر به بالایش در بغل من است و کمر به پایین در ردّ شنی تانک پخش شده... ردّ دردی عظیم. دردی به اندازه تمام دنیا بر چهره او نشسته...» (همان ۱۷۵)

«انگشت‌های ادریس ریش‌ریش بود و گوشت و پوست به استخوان‌هایی که به سفیدی می‌زد، آویزان بود و انگار چنگک فرو کرده‌ای تو لاشه مردار و آن را کشیده‌ای و فرو کرده‌ای و باز بیرون کشیده‌ای و پوست و گوشت و خون آویزان باشد به هر شاخه‌اش. ادریس انگشت نداشت ناخن نداشت و استخوان داشت و پوست که به آن آویزان بود و گوشت به آن آویزان بود فقط» (دهقان، ۱۳۸۶ ب: ۴۴-۴۵).

«در کنار ساحل یک کوسه دمر افتاده بود... سرتاسر شکمش را شکافته بودند. دو نفر تا مرفق دست‌هاشان را کرده بودند تو شکم کوسه و دنبال چیزی می‌گشتند... مرد دست کرد تو کیسه که همراهش بود و از میان آن یک پلاک فولادی کشید بیرون... گیج شدم. پلاک خونین عبدو. کوسه‌ای که شکمش را سرتاسر دریده بودند... دو مرد برایم تعریف کردند که همین صبحی از دهانه دریا کوسه را صید کردند که تو شکمش هفت تا پلاک بوده و یکی اش همین است» (همان: ۱۰۵-۱۰۴).

«یک لحظه پسرک را دید که دارد با سرعت برمی‌گردد، اما سر ندارد... یکهو متعجب نگاه کرد: سر نداشت؟! خون فواره‌وار از جای بریده گردنش به هوا می‌پاشید» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

«جمال با چشم‌های خودش تگه‌پاره‌های بدن یک آدمیزاد را دید که پخش و پلا شد. اول باور نکرد، اما وقتی تگّه بزرگش که نه دست داشت و نه پا و نه سر، افتاد جلوی پایش، خوب خوب باور کرد که آن یک تگه گوشت قرمز متعلق به انسانی است که تا ثانیه‌ای پیش مثل او نفس می‌کشید...» (همان: ۱۱۲).

۲-۲-۹- شکستن حرمت قراردادی کلمات و مفاهیم: ناتورالیست‌ها حرمت معهود کلمات را شکستند و واژگانی را که نویسندگانِ مقدّم بر آنها از آوردنش ابا داشتند، در داستان‌هایشان به کار بستند و یا مناظر و صحنه‌هایی را که دیگر نویسندگان به اختصار از آنان می‌گذشتند و یا به کلی از داستان‌هایشان حذف می‌کردند، با جسارت در آثارشان به نمایش گذاشتند.

«به علی، مردی.. تو تنبون آدم نیس، مردی تو وجود آدمه... احساس می‌کنم از رک گویی‌اش سرخ شده‌ام.» (دهقان، ۱۳۸۶ الف: ۴۲)

«دو تیر همزمان می‌خورند جلو صورتش و خاک نرم را که پاشیده تو موهای وزوزی‌اش... زیر لب فحش چارواداری می‌دهد: ای ننه‌تون رو شمر...» (همان: ۲۱۷)

«یک مشت قاتل بی‌پدر و مادر و بی‌صفت را ول کرده به امان خودشان تا نصفه‌شبی هر گه... که دل‌شان می‌خواهد، بخورند...» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

نمونه‌های فراوانی از این مورد در رمان پرسه... در صفحات ۵۹، ۹۹، ۱۴۵ و... دیده می‌شود.

۲-۲-۱۰- معرفی عشق به عنوان یک نیاز جسمانی

عشق‌ورزی و دلدادگی در حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدّس از جمله مضامینی است که در سال‌های اوّلیّه جنگ کمتر مورد عنایت قرار گرفته بود. به مرور با فاصله گرفتن از سال‌های جنگ، برخی از داستان‌نویسان به این مضمون پرداخته و جوانب آن را کاویده‌اند. در آثار دهه ۶۰ و نیمه اوّل دهه ۷۰ مضامین عشق و دلدادگی عموماً بین والدین و فرزند و یا رزمنده و هم‌رزمان و... بوده؛ اما بعد از آن به مرور، عشق به همسر و بعدها حتّی علاقه به جنس مخالف در برخی داستان‌ها مورد توجه قرار گرفت و به تدریج رو به فزونی نهاد. نمونه آن را در رمان‌های «عشق و انتظار» فرزانه آقاجانی، «عشق سال‌های جنگ» حسین فتّاحی، «سال‌های بنفش و اشکانه» ابراهیم حسن‌بیگی، «فصل رُزهای صورتی» منیرالسّادات موسوی، «به هادس خوش آمدید» بلقیس سلیمانی و «فصل جوانی» قاسمعلی فراست می‌توان مشاهده کرد.

«دوباره خواستم برگردم. اما ادریس گفت: این خواهرم است و مگر می‌توانستم برنگردم و رؤیا را نبینم. گفتم ادریس به من رحم کن و چنان حالتی داشتم که دلش به حال من سوخت و... من آرام آرام سر برگرداندم... آری رؤیا بود. دستان لرزانم را پیش بردم و موهای پریشان تو صورتش را کنار زدم و ابروی شکسته‌ی پیش را دیدم و خودم را دیدم... کمرم شکست و خودم شکستم و مُردم.» (دهقان، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۲)

«اول‌ها هیچ‌کدام به صدای دخترانه‌ای که هر چند دقیقه یک‌بار پشت بلندگو پخش می‌شد، توجهی نمی‌کردیم که دکتری را به بخش اورژانس می‌خواند یا از ملاقات‌کننده‌ها می‌خواست بیمارستان را ترک کنند. اما کم‌کم آن صدا در دل هر سه مان جا باز کرد. به هم چیزی نگفتیم؛ ولی وقتی حرف می‌زدیم و صدای او با آن لطافت و بغض پنهان در راهرو و اتاق‌ها می‌پیچید، سکوت می‌کردیم، هر سه فهمیدیم که در دل‌هامان چه می‌گذرد... به هر بهانه سعی می‌کردیم موضوع صحبت را به او بکشانیم. هر کدام قیافه‌ای از او در ذهن ساخته بودیم. من می‌گفتم رنگ چشمانش سیاه است که به چهره معصومش می‌آید... میرزا می‌گفت باید زیر لبش یک خال داشته باشد و داوود از ابروی کمانی و چشمان خمار آن فرشته می‌گفت... هر کدام رقیب دیگری بودیم و این را تازه متوجه شده بودیم. پس از آن مسابقه‌ای در نهان‌مان شروع شد که هر کدام زودتر راه بیفتیم و پا از در اتاق بیرون بگذاریم و برویم ته راهروی طبقه اول و او را ببینیم... کدام‌مان زودتر به او می‌رسیدیم...» (همان: ۵۹)

۲-۲-۱۱- تأثیر پذیری از شرایط جسمانی

در آثار ناتورالیستی انسان‌ها زیر فرمان شرایط جسمانی و خود و به تعبیر امیل زولا زیر فرمان اعصاب و خون‌شان قرار دارند. در این‌گونه آثار، حالات و وقایع از دیدگاه زیست‌شناسانه تحلیل می‌شوند و نیازهای غریزی و حتی فساد و فحشا و... به دلیل غلبه خواسته‌های جسمانی بر فرد تحقق می‌یابد (ن. ک: میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۵۲۳).

«آقا ناصر... یه چیز وحشتناک... - چی چی وحشتناک؟ چیزی شده؟... جان می‌کند و می‌گوید: یه... یه... به خدا به خدا من... طوری که دلداریش داده باشم می‌پرسم: آروم بگو چی شده؟... می‌لرزد. شانه- هایش را می‌گیرم و می‌گویم: چیزی نیست نترس. کم‌کم آرام می‌شود و من می‌فهمم که خواب دیده و

به دنیای ناشناخته‌ای پا گذاشته و برای اولین بار به بلوغ رسیده... می‌برمش سمت منبع آبی که دورتر کنار جاده گذاشته‌اند....» (دهقان، ۱۳۸۶ الف: ۱۲۴-۱۲۶)

۲-۲-۱۲ - برجسته کردن سرشت بدوی انسان

در نوشته‌های ناتورالیستی معمولاً شخصیت‌هایی برای داستان‌ها انتخاب می‌شوند که انگیزه‌های حیوانی چون حرص و شهوت جنسی و خوی حیوانی در آن‌ها قوی‌تر باشد. دهقان گاه به ترسیم خوی حیوانی انسان‌ها می‌پردازد و به عملکرد یکسان انسان و حیوان در موقعیت‌های مختلف اشاره می‌نماید و تلاش آنان برای حفظ جان‌شان را ترسیم می‌کند و یا نفرت از پایان یافتن زندگی و اسیر جبر محیط بودن را در هر دو به تصویر می‌کشد:

«مجروح هم چنان خِر خِر می‌کرد. عبدالله دست گذاشت روی زخم... مجروح با نگاهی پر از خشم، چشم به او دوخت. انگار که دردی طاقت‌فرسا بر جان‌ش نشسته. بعد یک‌دفعه خون از دهان و دماغش زد بیرون... چشم‌های مجروح حالت عوض کرد و چنان مهربان شد که پنداری می‌خواست بگوید از هیچ کس و هیچ چیز گله‌ای ندارد....» (دهقان، ۱۳۹۳: ۱۸۴-۱۸۵)

صحنه انتهایی رمان نیز بر ترجیح حیوان بر انسان دلالت دارد. بهرام در جریان داستان با صحنه‌های مرگ و شهادت بسیاری از هم‌زمان روبه‌رو می‌شود؛ ولی هیچ‌کدام به اندازه صحنه مرگ کره‌الاغ او را متأثر نمی‌سازد:

«اِ بچه‌ها... این‌جا را نگاه کنید! همان کره‌خرِ دسته‌یکی‌هاست... بهرام از ستون جدا شد... رسید و اولین چیزی که دید قندیل کوچکی از یخ بود که از پوزه کره‌الاغ تا برف‌های یخ‌زده، کشیده بود. چشم‌های کره‌الاغ باز بود، اما پلک نمی‌زد... سفیدی چشم‌های کره‌الاغ برگشته بود و مات شده بود... دست به پشت کره‌الاغ زد. دست به گوش‌های کوچک مخملی‌اش زد. نتوانست تکانش بدهد... باورکردنی نبود. کره‌الاغ ایستاده یخ زده بود! همان بغل نعش دو تا الاغ - پدر و مادرش - وسط برف‌ها افتاده بود. بهرام... لحظه‌ای همان‌جا مات و مبهوت ایستاد و نگاه کرد و یک‌دفعه چنان نعره‌ای سر داد که صدایش توی کوه‌ها پیچید. جیغ نبود، گریه هم نبود. فریادی بود از ته دل تا بتواند خودش را از این همه بغض و این همه خاطره‌جور و واجور و دردناک خلاص کند.» (همان: ۲۳۵-۲۳۶)

۲-۲-۱۳- **دشواری حیات:** آثار ناتورالیستی از سویی میل به زندگی و از سویی دیگر دشواری حیات و بقا؛ یعنی دو حسّ متناقض را در کنار هم قرار می‌دهند و تلاش برای حفظ جان و نهایتاً بی‌نتیجه ماندن آن را ترسیم می‌کنند.

«[بعد از انفجار] شکم قاطر بیچاره، از بالا تا پایین سفره شده بود و دل و روده‌اش آویزان بود. قوه‌اش را نداشت که روی پاها بایستد.... خودش را با هزار مکافات دو قدم کشید جلوتر... پنداری درست عزرائیل پشت سرش ایستاده باشد، نیم‌خیزنیم‌خیز جلو می‌رفت تا هر طور شده از زیر تیغش در برود....» (همان: ۱۰۴)

۲-۲-۱۴- **جدی نگرفتن باورهای اصیل اعتقادی**

آثار مرتبط با جنگ و دفاع مقدّس، غالباً دارای صبغه مذهبی هستند؛ از این رو، وجود مضامینی که نشان نفی باورهای اعتقادی باشد، عموماً در آن‌ها نامرسوم و غیر قابل انتظار است. اما در برخی از آثار این حوزه از جمله رمان شب ملخ (جواد مجابی، ۱۳۶۸) و ناگهان سیلاب (مهدی سبحانی، ۱۳۶۹) چنین مضامینی قابل مشاهده است. احمد دهقان نیز در رمان «پرسه...» با رویکردی طنزآمیز درباره قیامت چنین می‌گوید:

«در عملیات زمستان سال قبل... در یک شب خونین دسته بچه‌های طرشت به محاصره درآمد و چنان متلاشی شد که روز قیامت مدتی طول می‌کشید تا هر کدام بتوانند تگه‌پاره‌های خودشان را جمع و جور کنند و در صحرای محشر حاضر شوند.» (دهقان، ۱۳۹۳: ۲۱)

۲-۲-۱۵- **پایان غم‌انگیز:** البته پایان غم‌انگیز این آثار با پایان غم‌انگیز تراژدی متفاوت است؛ زیرا بر خلاف تراژدی «که قهرمان، مقهور خدایان یا دشمنانی قوی می‌شود، در آثار ناتورالیستی فرد تحت تأثیر جبر تاریخی و اجتماعی هلاک می‌شود.» (شریفیان و رحمانی، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۳) در آثار احمد دهقان پایان‌بندی داستان‌ها، گونه‌ای بهت و غم‌انگیزی را برای مخاطب رقم می‌زند و خواننده را تا مدّت‌ها دچار درگیری ذهنی با موضوع می‌نماید. نمونه تام و تمام این ادعا در مجموعه داستان *من قاتل پسران هستم* دیده می‌شود. در داستان کوتاه

پیشکشی، مادر شهید مفقودالاثربعد از شنیدن خبر شهادت فرزندش و یافتن پلاک او در شکم کوسه، چشمانش را به عنوان پیشکشی به هم‌رمز پسر هدیه می‌دهد و این امر، عواطف خواننده را برمی‌انگیزد و ژرفای درد فراق و چشم‌انتظاری مادر در هجر پسر مفقودالاثرش را بیان می‌دارد.

«چطور زبان می‌گردد بگویم خبر عبدو فقط یک پلاک فلزی است که از او به جا مانده و من همراه آورده‌ام؟... ننه‌عبدو و زائر ابراهیم را می‌بینم که به من زل زده‌اند و انگار که هر دوشان مرده‌اند... ننه‌عبدو دست به زمین می‌گذارد و برمی‌خیزد. لحظه‌ای طول می‌کشد تا کمر شکسته‌اش را راست کند و بعد آرام‌آرام می‌رود تو آن یکی اتاق... در فکر فرار از این جا هستم که صدای پای ننه‌عبدو می‌آید. آرام می‌آید تا جلوی رویم. جرأت ندارم سرم را بالا آورم. - بیا جلال، پیشکشی‌ات. آرام سر بلند می‌کنم و او را می‌بینم. در صورتش جای دو حفره خالی پیدا است و ردّ خون از دو طرف گونه‌اش سرازیر شده... تو سینی پر خون، یک پلاک فولادی است و دو چشم که به طرفم دراز شده و ملتسمانه مرا می‌خواند...» (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۷)

۲-۲-۱۶- همسان‌پنداری انسان و حیوان و گاه ترجیح دادن آنها بر انسان (حرمت‌زدایی
از اشخاص جامعه جبهه بر خلاف عادت^۴): برخی از مضامینی که در رمان‌های جنگی طرح می‌گردد، از مصادیق و مؤلفه‌های مکتب ناتورالیسم غربی نیست، اما وجود آن‌ها در آثار حوزه ادبیات دفاع مقدّس که عموماً از فضایی باورانه و ارزشی برخوردار است، می‌تواند نوعی از ناتورالیسم را در گونه خاصی از ادبیات داستانی این سرزمین رقم بزند. همان‌طور که می‌دانیم رزمندگان معمولاً در آثار جنگی ما به عنوان افرادی ایثارگر و فداکار شناخته می‌شوند که با احترام از آنان یاد می‌شود؛ اما در آثاری با صبغه ناتورالیستی تعبیراتی در موردشان به کار می‌رود که حاکی از قداست‌زدایی، تنزل جایگاه و نادیده انگاشتن ایثارگری‌های آنان است که پیش از این چندان سابقه نداشته‌است و می‌توان آن را از مؤلفه‌های ناتورالیسم ادبیات داستانی جنگ تحمیلی ایران دانست.

«جلوتر، یکی دمر افتاده کف کانال. رعشه افتاده به اندامش. امدادگری مثل موش صحرائی چهار دست و پا می رود طرفش.» (دهقان، ۱۳۸۶ الف: ۲۲۳)

«اولین روز آمدنش یادم هست. نوجوان قدبلند لنگ درازی بود که مانند کره اسب تازه متولد شده به دو طرف تاب برمی داشت.» (همان: ۱۵۶)

«حیدر مثل گاو در حالِ زا نعره می کشد...» (همان: ۲۰۱)

دهقان در رمان «پرسه...» در موقعیت‌های بسیاری، حیوانات (قاطر و الاغ) و رزمندگان و سربازان را در کنار هم و در شرایط برابر قرار می‌دهد و میل به حفظ جان و ادامه حیات، ترس از مرگ و سعی برای نجات جان را در هر دو موجود، یکسان به تصویر می‌کشد.

«کره الاغ ناشی جلو جلو راه افتاد توی رد لاستیک ماشین‌ها که یخ زده بودند؛ مرتب لیز می‌خورد و گاهی این‌وری می‌چرخید، گاهی آن‌وری. آق‌ماشال مثل آدم‌های دانا و باتجربه، گاهی زیرچشمی نگاه نگاهش می‌کرد و از روی تأسف سری تکان می‌داد.» (دهقان، ۱۳۹۳: ۷۴)

در برخی موارد، نویسنده به حیوان در مقایسه با انسان دل‌رحمی بیش‌تری نشان می‌دهد. حال آنکه چنین مسئله‌ای در حوزه ادبیات جنگ و دفاع مقدس چندان مورد انتظار نیست:

«جنازه قاطرها ته آبکند ریخته بود و کنارشان الله‌مراد - قوز کرده و عینهو جنین توی شکم مادر - روی برف‌ها افتاده بود. دهاتی‌ها جمع شدند بالا سر آبکند. چنان صورت‌هاشان از دیدن این صحنه رنگ باخت که خیال می‌کردی الآن است پس بیفتند... جالبی‌اش این‌جا بود که هیچ کدامشان برای الله-مراد اشک نمی‌ریختند. منظره کشتار قاطرها چنان در نظرشان رقت‌انگیز بود که کشتن آدم‌ها در برابر آن هیچ نمی‌نمود...» (همان: ۲۰۰)

در پایان، مشخصات آثار ناتورالیستی و بازنمود آن‌ها در آثار دهقان در قالب جدول ذیل ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که در بحث و بررسی ممکن است ذیل مؤلفه‌ای از اثری نمونه آورده نشده باشد، این مسئله به آن معنا نیست که لزوماً نمونه‌ای در آن اثر یافت نشد؛ بلکه

نمونه‌های برجسته‌تری از سایر آثار موجود بوده‌است که نقل گردید. جدول ذیل نشان‌دهنده وجود یا نبود مؤلفه‌های ناتورالیستی در سه اثر داستانی دهقان است.

| اصول و مبانی مکتب ناتورالیسم | سفر به گرای ۲۷۰ درجه/ سال ۷۵ | من قاتل پسران هشتم/ سال ۸۶ | پرسه در خاک غریبه/ سال ۸۸ |
|---------------------------------------|------------------------------------|----------------------------------|------------------------------|
| توجه به علم فیزیولوژی | * | * | * |
| تأثیر وراثت | - | - | - |
| جبر محیط | - | * | * |
| مخالفت با قراردادهای اخلاقی و عرفی | * | * | * |
| دین‌گریزی | - | - | * |
| شکستن حرمت قراردادی واژگان | * | * | * |
| استفاده از زبان محاوره | * | * | * |
| ترسیم فقر و فلاکت | * | * | * |
| تشریح جزئیات | * | * | * |
| بیان عشق به عنوان نیاز جسمانی | - | * | * |
| برجسته کردن سرشت بدوی انسان | - | * | * |
| تأثیرپذیری از شرایط جسمانی | * | * | * |
| بیان واقعیات تلخ و | * | * | * |

| مشمئزکننده | | | |
|------------|---|---|---------------------------------------|
| | | | دشواری حیات |
| * | * | - | نفی اراده افراد در رد نقصان‌های مثنوی |
| * | - | - | ترسیم افراطی خشونت |
| * | * | * | پایان غم‌انگیز |
| * | * | - | |

همان‌طور که مشاهده گردید، نمودگاری مؤلفه‌های ناتورالیستی در آثار دهقان به مرور با فاصله گرفتن از بستر زمانی جنگ افزایش یافته‌است و هرچه به پایان دهه ۸۰ نزدیک می‌شویم، شاهد بروز و ظهور وجوه ناتورالیستی بیشتری در آثار ایشان هستیم. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد داستان‌های ناتورالیستی ادبیات داستانی جنگ، حرمت‌زدایی از اشخاص جامعه جبهه است. دهقان در هر سه اثر بررسی شده، رزمندگان را به حیوانات تشبیه می‌کند و نحوه سخن گفتن او از آنان در برخی از آثارش کاملاً متفاوت با دیگر آثار حوزه دفاع مقدس است.

۳- نتیجه‌گیری

مکتب ناتورالیسم از احساسات‌گرایی رمانتیسم فاصله می‌گیرد و در شرح حقایق و واقعیات از عینی‌گویی‌های رئالیسم پیشی می‌جوید و به بیان عریان واقعیات تلخ و مشمئزکننده می‌پردازد. مسائل اخلاقی و باورانه در این مکتب چندان مورد توجه نیست و گاه حتی بی‌بندوباری‌های اخلاقی، مذهبی و عرفی نیز در این گونه آثار مطرح می‌گردد.

در سال‌های آغازین نبرد طرح مضامین و مفاهیم تلخ و دردناک در آثار مرتبط با جنگ و دفاع مقدس، تقریباً دور از انتظار به نظر می‌رسید؛ اما آرام آرام نشانه‌هایی از مکتب ناتورالیسم در برخی از آثار حوزه دفاع مقدس و جنگ به خودنمایی پرداخت. احمد دهقان در چندین اثر داستانی خود، غالباً حقایق جنگ و واقعیات تکان‌دهنده و فجایع ناشی از آن را در نهایت تلخی

و اشمئزاز به تصویر کشیده و گاه به شکستن برخی از خطّ قرمزها و قراردادهای عرفی و اخلاقی نیز دست زده است.

با آنکه دهقان در آثار خویش گونه‌ای از ناتورالیسم را رقم می‌زند که در بسیاری از موارد چهارچوب کلی آن با مکتب ناتورالیسم سازگار است؛ اما باید یادآور شد که در آثار دهقان نمود آشکاری از دین‌گریزی که از مبانی اصلی مکتب ناتورالیسم غربی است، مشاهده نمی‌گردد و این امر همسو با مبانی اعتقادی دفاع مقدّس و جنگ هشت ساله است.

دهقان با گذر زمان در بازنمایی آثار ویرانگر جنگ و تبعات درازآهنک آن در همه ابعاد زندگی، حتی با گذشت چندین دهه از اتمام آن، جدّی‌تر و جسورتر می‌شود؛ مثلاً در مجموعه داستان «من قاتل...» بیشتر از آثار قبلش به سیاه‌روزی‌ها و آثار مخرب جنگ بر جامعه و مردم بعد از اتمام جنگ می‌پردازد؛ حال آنکه در رمان «سفر...» خشونت‌های جنگ را بیشتر در بستر زمانی جنگ ترسیم کرده‌بود.

دهقان در رمان «پرسه در...» نیز بسیار گسترده‌تر از رمان «سفر...» به جامعه بحران‌زده جبهه، زندگی سخت و پُرآدبار رزمندگان و جوانب پیچیده جنگ می‌پردازد. به نظر می‌رسد فاصله حدوداً ۳۰ ساله از پایان جنگ در رمان «پرسه» موجب عریان‌گویی‌ها و واقع‌نگری افراطی در آن شده است. وجود چنین مضامین و مفاهیم یادشده در آثار متأخر دهقان سبب گشته تا برخی از تحلیلگران، این دست از آثار وی را در زمره آثار ضدّ جنگ قرار دهند، حال آن‌که با توجه به شواهد و قراین ارائه شده در متن مقاله، این سه اثر اخیر دهقان را می‌توان با در نظر داشتن برخی از نوسانات موجود در آن‌ها در ردیف آثار ناتورالیستی دفاع مقدّس و جنگ تحمیلی قرار داد.

یادداشت

۱- عناوین مختلفی مثل دفاع مقدّس، جنگ تحمیلی، دفاع هشت ساله، دفاع مقدّس و جنگ و... از سوی پژوهشگران این حوزه با توجه به نوع نگرش آنها به این موضوع و گاه حتی کاربرد

هر یک از این تعبیرات با توجه تقسیم‌بندی زمان نبرد به دوره‌های مختلف آن مورد استفاده قرار گرفته است که بحث در باره دلایل این کاربردها و تحلیل آن فرصتی دیگر می‌طلبد.

۲- منش: «منش، منعکس‌کننده اهداف زندگی، نظام ارزشی و هیجانات خودآگاه فرد است. ابعاد منش، کمتر اثری است و اغلب تحت تأثیر یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد» (کرمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۴).

۳- تابو: «پرهیزه. حریم‌های ممنوعه که پرده‌برداری از آن‌ها نامطلوب شمرده می‌شود» (گورین و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

۴- البته دهقان در نگارش دیگر آثارش مثل *دشت‌بان*، *گردان سه نهره* و... - شاید به فراخور شرایط - معتقدانه و ارزش‌مدارانه قلم زده است.

۵- «Defamiliarization» در واقع می‌توان آن را نوعی آشنایی‌زدایی و بیگانه‌سازی قلمداد کرد. «بیگانه‌سازی در ادبیات و هنر به شگردی اطلاق می‌گردد که با استفاده از آن نویسنده یا هنرمند در اثر خود به گونه‌ای نامعمول به اشیا و پدیده‌ها می‌نگرد» (شریفی، ۱۳۹۱: ذیل «آشنایی‌زدایی»).

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

- ۱- پاینده، حسین. (۱۳۹۱). *داستان‌های کوتاه در ایران (داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی)*. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.
- ۲- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله. (۱۳۸۸). *سیر ناتورالیسم در ایران*. سمنان: دانشگاه سمنان.
- ۳- داد، سیما. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چاپ دوم. تهران: مروارید.
- ۴- دهقان، احمد. (۱۳۸۶ الف). *سفر به گرای ۲۷۰ درجه*. چاپ چهارم. تهران: سوره مهر.
- ۵- _____ (۱۳۸۶ ب). *من قاتل پسر تان هستم*. چاپ سوم. تهران: افق.

- ۶- _____ (۱۳۹۳). **پرسه در خاک غریبه**. چاپ دوم. تهران: نیستان.
- ۷- سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۴). **مکتب‌های ادبی** (دوره ۲ جلدی) ج ۱. چاپ سیزدهم. تهران: نگاه.
- ۸- شریفی، محمد. (۱۳۹۱). **فرهنگ ادبیات فارسی**. چاپ پنجم. تهران: فرهنگ نشر نو، معین.
- ۹- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). **مکتب‌های ادبی**. تهران: قطره.
- ۱۰- شیری، قهرمان. (۱۳۸۷). **مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران**. تهران: چشمه.
- ۱۱- گورین، ویلفرد. ال. و دیگران. (۱۳۸۳). **راهنمای رویکردهای نقد ادبی**. ترجمه زهرا میهن‌خواه. چاپ چهارم. تهران: اطلاعات.

ب. مقاله‌ها

- ۱- بالایی، پیوند. (۱۳۸۳). «**جلوه‌های ناتورالیسم در آثار چوبک**». ماهنامه ادبیات داستانی. س ۱۲، ش ۸۷، صص ۲۲-۲۸.
- ۲- پرهیزجوان، مقصود. (۱۳۸۸). «**نگاهی به کتاب سیر ناتورالیسم در ایران**». کتاب ماه ادبیات. سال ۳، ش ۳۵ (پیاپی ۱۴۹)، صص ۶۷-۷۱.
- ۳- ثروت، منصور. (۱۳۸۶). «**مکتب ناتورالیسم**». پژوهشنامه علوم انسانی. ش ۵۴، صص ۱۷۷-۱۹۶.
- ۴- حدیری، مریم و غفاری کومله، هانیه. (۱۳۹۴). «**آنیسم و پیوند آن با ناتورالیسم در آثار صادق چوبک**». فصلنامه ادب پژوهشی. س ۹، ش ۳۶، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- ۵- رادفر، ابوالقاسم و حسن‌زاده میرعلی، عبدالله. (۱۳۸۳). «**نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتورالیسم**». فصلنامه پژوهش‌های ادبی. س ۱، ش ۳، صص ۲۹-۴۴.

- ۶- رحمانی، کیومرث. (۱۳۹۱). «نقد مکتبی داستان‌های محمود دولت‌آبادی». فصلنامه علمی- پژوهشی زبان و ادب فارسی. س چهارم، ش ۱۳۹، صص ۴۱-۷۳.
- ۷- زرشناس، شهریار. (۱۳۸۳). «صادق چوبک و ناتورالیسم فرویدزده لمپنی». ماهنامه ادبیات داستانی. س ۱۲، ش ۸۶، صص ۴۰-۴۳.
- ۸- شریفیان، مهدی و رحمانی، فرامرز. (۱۳۹۲). «تحلیل عناصر ناتورالیستی در داستان‌های محمود دولت‌آبادی». فصلنامه ادب فارسی. س ۳، ش ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۱۴۸-۱۶۸.
- ۹- صادقی شهپر، رضا و پورمرادی، سیما. (۱۳۹۲). «یک گام به سوی بوم‌گرایی: نقد داستان‌های اسماعیل فصیح حرکت از ناتورالیسم به سوی رئالیسم». فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. س ۸، ش ۲۹، صص ۱۷۳-۱۹۹.
- ۱۰- علی‌زاده، فرحناز. (۱۳۸۹). «قیمت پیدا کردن فردی درگیر و دار جنگ (نگاهی به رمان پرسه در خاک غریبه)». کتاب ماه ادبیات. س ۴، ش ۴۶ (پیاپی ۱۶۰)، صص ۵۷-۶۲.
- ۱۱- قاسم‌زاده، علی. (۱۳۸۹). «طلوع و افول ناتورالیسم». مجله رشد. س ۱، ش ۲، صص ۵۰-۵۷.
- ۱۲- کرمی، جهانگیر و دیگران. (۱۳۹۴). «پیش‌بینی مؤلفه‌های آلکسی تایمیا براساس ابعاد سرشت و منش شخصیت». فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی. س ۳، ش ۹، صص ۵۱-۶۸.
- ۱۳- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۰). «ادبیات داستانی و صادق چوبک». یاد صادق چوبک. به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، تهران: ثالث.

۱۴- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). «نوشتن از اعماق مردم». **یاد صادق چوبک**. به کوشش علی دهباشی. تهران: ثالث.